

تدقیق نماگرهای مسکن شایسته از دیدگاه مکتب اسلام*

مسلم ضرغام فرد^۱، ابوالفضل مشکینی^۲ ** (نویسنده مسئول)، احمد پورا احمد^۳، بنیامینو مورگانتی^۴

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، ایران
^۲ دانشیار دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، ایران
^۳ استاد دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران
^۴ استاد دانشکده مهندسی، گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه باسلیکاتا، ایتالیا

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۳۱

چکیده

شهر اسلامی یکی از قدیمترین مفاهیم در مطالعات تاریخ و فرهنگ است. شهر اسلامی دارای عناصر متعددی بوده که یکی از مهمترین آنها خانه/مسکن است. دین اسلام حد اعلای پدیده‌های مرتبط با انسان را مد نظر دارد، لذا در ساخت‌وساز مسکن نیز شایسته و مناسب بودن آن همواره مورد تأکید بوده است. در این پژوهش مفهوم «مسکن شایسته اسلامی» برای نخستین بار در متون پژوهشی به کار گرفته می‌شود. مسکن شایسته، موضوعی است که در محافل علمی خارج از ایران مورد توجه قرار گرفته، اما در ایران هنوز اصولی برای آن تعریف نشده است. هر چند در مکتب اسلام اصول کلی برای ساخت یک مسکن شایسته وجود داشته لیکن در دوره مدرن این مهم مورد غفلت واقع گردیده است. از این منظر، پژوهش حاضر با به کارگیری یک روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی متون اسلامی و تطبیق آنها با یکدیگر درصدد استخراج و دسته‌بندی نماگرهای زمینه‌ساز مسکن شایسته اسلامی است. نتیجه این پژوهش دستیابی به ۲۷ نماگر است که می‌تواند در ساخت و سازهای آینده مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نماگرهای مسکن شایسته، مسکن شایسته اسلامی و مکتب اسلام.

خاستگاه آن به ماهیت معنوی انسان ارتباط دارد. در حقیقت بنا به گفته عمر مسکن محل ارتباط انسان با خالق، محل زیست، بازی، یادگیری و عبادت است (Omer, 2007). در مکتب اسلام مسکن صرفاً به معنای یک چهاردیواری نبوده و بسیاری از جوانب زندگی انسان با مسکن گره خورد است؛ به طوری که در آیات و احادیث متعدد از خانه به عنوان مکان تعالی انسان یاد می شود. بنابراین بعد معنوی مسکن در مکتب اسلام بسیار مورد توجه بوده و بر آن تأکید می شده است. از آنجا که چارچوب ساخت و ساز مسکن از روح ماهیت اسلام تغذیه می شود و با قوانین اسلامی هم راستاست (Hakim, 1986)، می توانیم مسکن اسلامی را ذیل عنوان «مسکن شایسته» یا «مسکن شایسته اسلامی» یاد کنیم. با تمامی این اوصاف اما با تسلط حکومت های استعمارگر در دهه ۱۹۰۰ و باز شدن دروازه های واردات فرهنگ غربی به روی خاورمیانه (Al-Kodmany, 2007) این پیوندها دچار تغییر و شهر اسلامی سنتی با چالش های متعددی مواجه شد (Bonine, 2007). یکی از این چالش ها، اتخاذ مدل های کاربری اراضی غربی است که فرم شهر را متحول ساخته و به جای توجه به اکولوژی، اخلاق و عدالت به اقتصاد اولویت می دهد و ساخت و ساز مسکن را تحت تأثیر قرار می دهد (Barau, 2010). با ورود فناوری ها و همچنین طراحی شهری جدید، اکثر شهرهای اسلامی بمباران فرهنگی شد و ساخت و ساز مسکن که تا قبل این تاریخ بر مبنای سنت اسلامی استوار بود تحول عمیقی به خود دید. در حقیقت در گذر زمان مفهوم مسکن اسلامی دستخوش تغییراتی شده و همراه با مدرنیزاسیون و صنعتی شدن تحولاتی در ماهیت آن ایجاد شده است. با ظهور تکنولوژی های جدید در صنعت ساخت و ساز، مسکن اسلامی نیز جای خود را به مسکن مدرن داده است. این موضوع در کشورهای مسلمان بسیار قابل پیگیری است. در عصر کنونی بسیاری از ارزش های اسلامی در ساخت و ساز مسکن در کشورهای اسلامی به ویژه ایران مد نظر قرار نمی گیرد، این در حالی است که این ارزش ها بر ارزش مادی و معنوی مسکن می افزاید. حال با مقدمه فوق در این پژوهش بر آنیم تا با بهره گیری از یک روش تحلیلی نماگرها و شاخص هایی را که در آیات، احادیث و روایات برای یک مسکن شایسته اسلامی بیان شده است، استخراج و دسته بندی کنیم. از آنجا که در عصر حاضر بسیاری از شاخص های یک مسکن شایسته اسلامی در فرایند ساخت و ساز مسکن مد نظر قرار نمی گیرد، هدف این پژوهش گوشزد کردن و جلب توجه برنامه ریزان و طراحان شهری است تا در فرایند برنامه ریزی و ساخت مسکن توجه بیشتری به این مقوله مبذول دارند. از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤال زیر است: در مکتب اسلام برای شایسته بودن یک مسکن چه شاخص ها و نماگرهایی مد نظر بوده است؟ و هدف پژوهش نیز شناسایی و احصاء نماگرها و شاخص های مسکن شایسته در مکتب اسلام است.

یکی از قدیمی ترین مفاهیم متضاد در مطالعه تاریخ و فرهنگ اسلامی، «شهر اسلامی»^۱ است؛ به طوری که گاهی از آن تحت عنوان «افسانه»^۲ یاد می شود (Hameed, 1991) که در ماهیت خود «غیر سرمایه داری» و «غیر غربی» است (Correia and Taher, 2015). گسترش اسلام به سرزمین های مختلف در آسیا، آفریقا و اروپا تأثیرات غیر قابل برگشت و انکارناپذیری در توسعه شهری داشت. بدین ترتیب اسلام یک دین شهری است (Fischel, 1956; Hassan, 1972; Marçais, 1945; Saoud, 2002؛ نظریان، ۱۳۹۲؛ حبیبی، ۱۳۹۵). از این رو شهرهای اسلامی در ابتدا جنبه دینی داشتند، اما در ابتدای قرن نهم میلادی به یک پایگاه سیاسی قوی نیز تبدیل شدند. مبدأ مفهوم شهر اسلامی به شهرهای شمال آفریقا باز می گردد که اولین بار در مقاله «اسلام گرایی و زندگی شهری»^۳ شرق شناس فرانسوی ویلیام مارشای^۴ مطرح گردید (Neglia, 2008). سپس برادر او جورج مارشای^۵ نیز گفته های اولیه وی را پیگیری نمودند (Al-sayyad, 1996) لیکن نظریه مند کردن (تئوریزه سازی) آن توسط رابرت برانشویک^۶ انجام شد (Moser, 2018). اوج مطالعات مربوط به شهر اسلامی به دهه ۱۹۸۰ بازمی گردد. در این دهه دانشمندان و متفکران مختلفی در پرورش و جهانی سازی این مفهوم تلاش نمودند (Sergeant, 1980; Serageldin and el-Sadek, 1982; Germen, 1983; Brown and detal, 1986; Saqqaf, 1987; Yukawa, 1989). به طور کلی، سه عامل انسان، رفتار و شالوده در شکل گیری فضای کالبدی شهر دخیل هستند؛ اما در شهر اسلامی، سه عامل: جهان بینی توحیدی، اخلاق و رفتار اسلامی، و ارتباط عمل و اسلام با جهان در شکل گیری مهم هستند (Fakhimzade and et al., 2016; Omer, 2009; Mohamad, 1995; Khilat and Tariq, 2017). بدین ترتیب پژوهشگران مختلفی ریخت شناسی شهرهای اسلامی را مورد بررسی قرار داده اند (Eickelman, 1981; Al-Sayyed, 1991; Lapidus, 1973; Hamdan, 1962; Hakim 1976; Williams, 2012; Gharipour, 2007) و همگی آنها بر هفت عنصر اصلی در شهرهای اسلامی اجماع نظر دارند که این عناصر عبارت اند از: مسجد اصلی، سوق ها، ارگ، بازار، شبکه خیابانی، خانه ها و بخش خارجی شهر (شامل گورستان ها و بازارهای هفتگی). البته لازم به ذکر است که به طور کلی در اسلام سلسله مراتب سکونتگاهی عبارت است از: (۱) خانه حیاط دار (۲) خانه مرکب (۳) برزن (۴) شهر (Ennahid, 2002). با استناد به ادبیات پژوهش، مسکن یکی از مهم ترین عناصر و ویژگی های شهر اسلامی است (Greenshields, 1980; Eickelman, 1981; Gilsenan, 1982; Abd-El-Aziz Nour, 1981; Omer, 2009) که در این پژوهش ما فقط روی این عنصر متمرکز خواهیم شد و آن را از دیدگاه مکتب اسلام بررسی خواهیم نمود. مسکن اسلامی هم بعد معنوی و هم بعد مادی را در نظر می گیرد و مفهوم مسکن به مراتب فراتر از بعد کالبدی بوده و

از نظر رنای شورت مسکن عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد بوده و در سازمان اجتماعی فضا نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند (Short, 2000). ویتوای مسکن را مهم‌ترین عامل رضایتمندی افراد نسبت به محل سکونتشان معرفی می‌کند (Weataway, 2006). از نظر مشکینی و ضرغام‌فرد مسکن گنجینه‌خاطر و اسرار است که در آن عشق و احساسات جاری است. همچنین کالبدی است که انسان را از دنیای بیرون می‌رهاند و در یک فضای پر از عاطفه، روان و روح او را نوازش می‌کند (مشکینی و ضرغام‌فرد، ۱۳۹۸). اسمیت مسکن را به‌عنوان یک کالا تعریف می‌کند (Smith, 1776)؛ ریکاردو از مسکن به عنوان دارایی ملموس با بازگشت بالقوه (Ricardo, 1817) و مارشال از آن تحت عنوان سرمایه یاد می‌کند (Marshall, 1890). تورگرسن، معتقد است که مسکن «رکن پنهان برای بهزیستی یک جامعه» است (Torgersen, 1987). به باور ملنیکاز مسکن مکانی است که در آن مردم می‌توانند به زندگی اجتماعی خود بپردازند (Melnikas, 1998). اسکان بشر سازمان ملل نیز مفهوم مسکن را در قالب ارتقای کیفیت زندگی مطرح می‌سازد (UN-Habitat, 2002; 2006). از نظر هنیلان مسکن شامل یک ساختمان یا بخشی از یک ساختمان و مکانی است که یک خانواده می‌تواند تمام عمر خود را در آن بگذرانند (Henilane, 2016). از نظر گاستن ریچارد «خانه ما گوشه‌ای از جهان ما» را تشکیل می‌دهد (King, 2004).

جدول شماره ۱: دیدگاه‌های اندیشمندان پیرامون مسکن

اندیشمند	نگرش به مسکن
رنای شورت	مسکن عامل جامعه‌پذیری افراد است
ریکاردو	مسکن یک دارایی ملموس است
مارشال	مسکن سرمایه است
ملنیکاز	مسکن مکان زندگی اجتماعی است
اسکان بشر	مسکن به معنای ارتقای کیفیت زندگی است
گاستن ریچارد	مسکن گوشه‌ای از جهان ما را تشکیل می‌دهد
تورگرسن	مسکن رکن پنهان بهزیستی افراد است
مشکینی و ضرغام‌فرد	مسکن گنجینه‌خاطر و اسرار است
اسمیت	مسکن یک کالا است
ویتوای	مسکن عامل رضایتمندی اجتماعی است
یوسف القرضای	مسکن نقش محافظ و حراست‌کننده دارد
باشلارد	مسکن به مثابه یک فضای مانوس است
مری داگلاس	مسکن شکل اولیه سازمان اجتماعی است

از دیدگاه اسلام، مسکن به‌عنوان پناهگاه امن و حیاط خصوصی، محل آرامش، رهایی از دنیای بیرون، استراحت، خوشبختی و تقویت روابط خانوادگی تعریف شده است (Omer, 2010). همچنین مسکن به مثابه مکانی برای رشد و تعالی در نظر گرفته شده و نقش آن، بسترسازی برای حفظ حریم خصوصی و ترویج

مکانی که ما در آن زندگی می‌کنیم از جوانب مختلف بر زندگی ما تأثیر می‌گذارد. زندگی در شرایط مناسب یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی انسان است. نقش مسکن در تأمین سایر نیازها غیر قابل انکار است، لیکن مسکن فقط به معنای چهاردیواری و مکان مسقف نیست. مسکن باید مکانی برای خواب و استراحت فراهم آورد که در آن مردم احساس امنیت و آرامش کنند و از حریم خصوصی خود مطمئن باشند. بسیاری از این ویژگی‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و چهاردیواری را به منزل و خانه (مکان آرامش و امنیت) تبدیل می‌کنند (ضرغام‌فرد، ۱۳۹۶). اهمیت مسکن از دیرباز مد نظر بوده و همواره در همه ادیان و سنت‌ها بر آن تأکید می‌شده است. قرآن کریم (۶۱۰ یا ۶۱۱ میلادی)، قانون حمورابی (۱۷۹۲-۱۷۵۰ قبل از میلاد) (ضرغام‌فرد، ۱۳۹۶)، دستور کار جدید شهری کیوتو (۲۰۱۶) (مشکینی و ضرغام‌فرد، ۱۳۹۸)، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (United Nations, 1948)، در بیانیه ۱۹۷۶ ونکوور (United Nations, 1976)، دستور کار هیئت‌ات مصوب ۱۹۹۶ استانبول (United Nations, 1996; United Nations and UN-Habitat, 2008) و گزارش اتحادیه «حق به شهر» (Right to the City Alliance, 2010) از جمله مهم‌ترین اسنادی است که در آنها به مسکن پرداخته شده است. البته در همه این اسناد مراد از مسکن، همانا «مسکن شایسته»^۷ بوده است. در قرآن هم اصطلاح مسکن شایسته دو بار در سوره‌های قمر آیه ۵۵ و یونس آیه ۹۳ به کار رفته است و به مأوای اهل بهشت و مسکن در دنیا اشاره دارد. در اصول ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به صراحت، حق داشتن مسکن مناسب (شایسته)، مورد توجه قرار گرفته است. از این رو بنا بر رسالت بخش مبانی نظری در پژوهش، ابتدا مفهوم مسکن و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن را مرور خواهیم نمود. بدین ترتیب یک خانه، فضای حسی است که با خاطرات شخصی و تاریخ‌های مختلف عجین شده و مکانی است که می‌تواند احساس تعلق را تقویت کند؛ لذا رازالیا و طالبی نقش عوامل فرهنگ و محیط را در نوع مسکن مهم می‌دانند (Razalia and Talibb, 2013). به اعتقاد هایدگر ساختمان و مسکن یک پدیده واحد هستند که ریشه در فرهنگ، زمان و مکان دارند و با استدلال‌های زبان‌شناختی بیان می‌دارد که مسکن صرفاً ساختن یک بنا نیست بلکه مفهومی فراتر از آن دارد (Heidegger, 1951). باشلارد مسکن را به مثابه یک «فضای مانوس» می‌نگرد و آن را فضایی می‌نامد که به روی همه کس باز نیست (Bachelard, 1994). مری داگلاس^۸ خانه را شکل اولیه سازمان اجتماعی می‌داند که نتیجه آن در جامعه نمود پیدا می‌کند. همچنین یوسف القرضای^۹، محقق اسلامی، خانه را به‌عنوان محلی که فرد را از عناصر اقلیمی محافظت می‌کند و از محدودیت‌ها و فشارهای جامعه مصون‌نگه می‌دارد، تعریف می‌کند (Shabani and et al., 2011).

آرامش و آسایش ساکنان آن است (Omer, 2011). لیکن مسکن اسلامی هر چند ملهم از ایده‌ها و پیام الهی است اما تحت تأثیر زمان و فضا، تحولاتی در آن رخ داده است (Bianca, 2003). بدین ترتیب مسکن اسلامی، پیچیدگی ساختاری را در سازمان بنا نشان می‌دهد که این پیچیدگی از فرهنگ منطقه نشئت می‌گیرد (Petruccioli, 2008). اسلام در ساخت مسکن برای تفکیک فضا اهمیت قائل بوده و آن را به دو گونه فضای خصوصی و عمومی تقسیم می‌کند (Rapoport, 1969; Mortada, 2011; Rahim, 2008). حریم خصوصی، حجب و حیا و مهمان‌نوازی در ساخت مسکن مسلمانان همواره از گذشته‌های دور تا به امروز مورد تأکید بوده است (Othman and et al., 2015; Othman and et al., 2014; Omer, 2010; Mortada, 2011; Azizah and Putri, 2013; Sobh and et al., 2013). اما در دنیای مدرن حریم خصوصی خانه آن‌چنان مد نظر نیست (Alitajer and Nojumi, 2016). بدین ترتیب شهر اسلامی با جدایی صریح حوزه‌های عمومی و خصوصی عجین است (Abu-Lughod, 1987). این تفکیک‌پذیری، معماری و ساختارهای اجتماعی جامعه شهری اسلامی را شامل می‌شود (Ennahid, 2002) که به نوعی با مفهوم معاصر «فضای قابل دفاع»^{۱۱} اسکار نیومن (Newman, 1973) در ارتباط است. آراستگی داخلی و پاکیزگی مسکن از موضوعات مهم دیگری است که در خانه‌های اسلامی بر آن تأکید می‌شده است (Malik and Mujahid, 2016). به طور کلی در دین اسلام مسکن اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ به طوری که پیامبر مکرم اسلام (ص)، خانه را بهترین مکان در جهان می‌پندارد و مالکیت و تصاحب آن را مایه مسرت و شادکامی می‌داند. با تمامی تعاریف و دیدگاه‌هایی که نسبت به مسکن وجود دارد، اسلام مسکن (خانه) را بستری برای تقویت روابط خانوادگی می‌داند.

در خصوص مسکن اسلامی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. با این حال پژوهش ویژه و خاصی که تمرکز تام بر مسکن شایسته اسلامی داشته باشد به ندرت وجود دارد. غالباً این موضوع در بطن مقالات و پژوهش‌های مرتبط با شهر اسلامی مد نظر بوده است. با تمامی این اوصاف در بخش ذیل تلاش خواهیم نمود تا نگرش پژوهش‌ها به جایگاه مسکن (شایسته) اسلامی را بازبانی نماییم. الگومانی در یک بررسی تطبیقی که در دو محله در دمشق انجام داد به این نتیجه رسید که با وجود ورود فرهنگ غربی، همچنان زنان به فرهنگ سنتی خود پایبند بوده و سعی در حفظ حریم خصوصی خانه‌ها دارند. مسئله حفظ حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین الزامات مسکن در فرهنگ اسلامی قلمداد می‌شود (Al-Kodmany, 2007). در پژوهش‌های ابتدایی که در خصوص مسکن اسلامی انجام شده، از مواردی نظیر حریم خصوصی خانه، نیاز خانواده و الگوی استفاده فضایی به عنوان مبنای فرم‌های مختلف ساخت خانه یاد شده است

(Babangida and Sani-Katsina, 2017). محققانی درصدد کشف رابطه بین رفتار (مانند حریم خصوصی) و محیط‌زیست در مسکن مسلمانان بوده‌اند (Tawfik, 1996; Wapner and et al., 2000). مسئله دیگری که در مسکن اسلامی بسیار بدان تأکید شده است، مسئله معنویت و عبادت است. عقیف باهاناسی از سخنان ابن کووتیبا، محقق مشهور مسلمان قرن نوزدهم، نقل کرده است که تناسب مسکن به مثابه تناسب لباس (پیراهن) برای پوشش است (Bahnessi, 2003). از این رو می‌توان دریافت که مسئله تناسب و جایگیری عناصر مسکن در مکتب اسلام مورد تأکید بوده است. مالیک و مجاهد به چیدمان فضا در مسکن اسلامی توجه داشته و ترتیب قرارگیری عناصر در مسکن اسلامی را بدین شرح بیان می‌دارند: ورودی منزل، بخش عمومی، بخش نیمه خصوصی و بخش خصوصی. سپس مقایسه‌ای بین مسکن اسلامی عربستان و پاکستان داشته‌اند که در همه این مسکن این نوع چیدمان رعایت شده بود (Malik and Mujahid, 2016). طبق یافته‌های هاشیم و همکاران ارزش‌های فرهنگی در مکتب اسلامی بر ساخت‌وساز مسکن تأثیرگذارند (Hashim and et al., 2006). وی مذهب را عامل مؤثر در چیدمان فضای مسکن اسلامی می‌داند؛ اما در دیدگاه دیگری هتین و شالابی معتقدند برنامه‌ریزان و معماران در جهان اسلام پایبندی خود به فرهنگ اسلامی در ساخت‌وساز را از دست داده‌اند و ایده‌های بیگانه را در ساخت‌وساز مسکن به کار می‌گیرند (Htin and Shalaby, 1984). در ایران نیز پژوهش‌های مختلفی پیرامون ساخت‌وساز مسکن اسلامی صورت گرفته است. ملکوی و آریان کیا (۱۳۹۶) ورود فرهنگ و الگو غربی را عامل بی‌هویتی و از خودبیگانگی در مسکن و فضای شهری می‌دانند. نصر (۱۳۹۴) توجه به پارادایم مسکن را در سیمای شهرهای امروز ایران برای تبیین جایگاه هويت شهر ایرانی اسلامی مؤثر می‌داند. نقی زاده (۱۳۹۱) اصول و معیارهای بنیادین مسکن اسلامی را توجه به فرهنگ جامعه، بسترسازی برای امکان زندگی ایرانی اسلامی، جامع‌نگری و وحدت‌گرایی، حفظ و تقویت روابط همسایگی، حفظ و ارتقای توجه خانواده و روابط خانوادگی، امنیت، هويت، ارتباط با طبیعت و همزیستی با آن، رعایت عدل و توجه به عدالت اجتماعی، زیبایی، سلسله مراتب، توجه به معنویت، کمال‌گرایی، عزت، اصلاح، تذکردهی، حیا، تواضع، پاکسی و طهارت و تقوی می‌داند. ملکوی و سجادیان (۱۳۹۵) معتقدند که اسلام از مسکن چهار کارکرد تأمین نیازهای معنوی، تأمین نیازهای فیزیکی، هويت بخشی و آرام‌بخشی طلب می‌نماید. حمزه‌نژاد و صدریان (۱۳۹۳) معتقدند که مسلمانان باید در ساخت‌وساز مسکن مطلوب خود، دین را منعکس کنند؛ بدین معنا که در طراحی مسکن از اصول اسلام و تجسم کالبدی آن بهره‌جویند. ضرغامی (۱۳۸۹) عدالت، زیباشناسی، راحتی، آسایش، امنیت و رشد کودکان، و هويت اجتماعی را از اصول پایداری مجتمع‌های مسکونی در

آرامش و آسایش ساکنان آن است (Omer, 2011). لیکن مسکن اسلامی هر چند ملهم از ایده‌ها و پیام الهی است اما تحت تأثیر زمان و فضا، تحولاتی در آن رخ داده است (Bianca, 2003). بدین ترتیب مسکن اسلامی، پیچیدگی ساختاری را در سازمان بنا نشان می‌دهد که این پیچیدگی از فرهنگ منطقه نشئت می‌گیرد (Petruccioli, 2008). اسلام در ساخت مسکن برای تفکیک فضا اهمیت قائل بوده و آن را به دو گونه فضای خصوصی و عمومی تقسیم می‌کند (Rapoport, 1969; Mortada, 2011; Rahim, 2008). حریم خصوصی، حجب و حیا و مهمان‌نوازی در ساخت مسکن مسلمانان همواره از گذشته‌های دور تا به امروز مورد تأکید بوده است (Othman and et al., 2015; Othman and et al., 2014; Omer, 2010; Mortada, 2011; Azizah and Putri, 2013; Sobh and et al., 2013). اما در دنیای مدرن حریم خصوصی خانه آن‌چنان مد نظر نیست (Alitajer and Nojumi, 2016). بدین ترتیب شهر اسلامی با جدایی صریح حوزه‌های عمومی و خصوصی عجین است (Abu-Lughod, 1987). این تفکیک‌پذیری، معماری و ساختارهای اجتماعی جامعه شهری اسلامی را شامل می‌شود (Ennahid, 2002) که به نوعی با مفهوم معاصر «فضای قابل دفاع»^{۱۱} اسکار نیومن (Newman, 1973) در ارتباط است. آراستگی داخلی و پاکیزگی مسکن از موضوعات مهم دیگری است که در خانه‌های اسلامی بر آن تأکید می‌شده است (Malik and Mujahid, 2016). به طور کلی در دین اسلام مسکن اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ به طوری که پیامبر مکرم اسلام (ص)، خانه را بهترین مکان در جهان می‌پندارد و مالکیت و تصاحب آن را مایه مسرت و شادکامی می‌داند. با تمامی تعاریف و دیدگاه‌هایی که نسبت به مسکن وجود دارد، اسلام مسکن (خانه) را بستری برای تقویت روابط خانوادگی می‌داند.

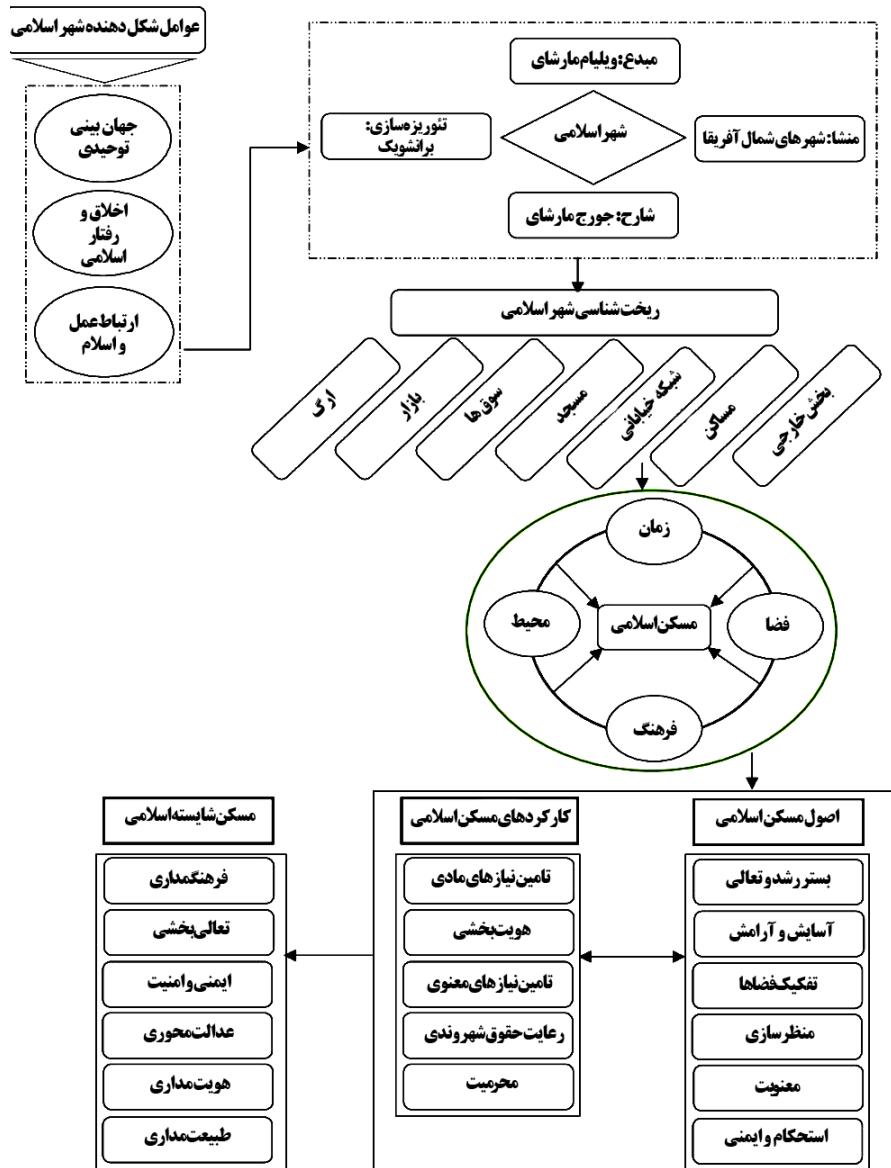
در خصوص مسکن اسلامی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. با این حال پژوهش ویژه و خاصی که تمرکز تام بر مسکن شایسته اسلامی داشته باشد به ندرت وجود دارد. غالباً این موضوع در بطن مقالات و پژوهش‌های مرتبط با شهر اسلامی مد نظر بوده است. با تمامی این اوصاف در بخش ذیل تلاش خواهیم نمود تا نگرش پژوهش‌ها به جایگاه مسکن (شایسته) اسلامی را بازبانی نماییم. الگومانی در یک بررسی تطبیقی که در دو محله در دمشق انجام داد به این نتیجه رسید که با وجود ورود فرهنگ غربی، همچنان زنان به فرهنگ سنتی خود پایبند بوده و سعی در حفظ حریم خصوصی خانه‌ها دارند. مسئله حفظ حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین الزامات مسکن در فرهنگ اسلامی قلمداد می‌شود (Al-Kodmany, 2007). در پژوهش‌های ابتدایی که در خصوص مسکن اسلامی انجام شده، از مواردی نظیر حریم خصوصی خانه، نیاز خانواده و الگوی استفاده فضایی به عنوان مبنای فرم‌های مختلف ساخت خانه یاد شده است

و جهان بینی اسلامی از منظر کالبدی و معنایی، به عنوان یکی از معیارهای اصلی ساخت و ساز قلمداد می شده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ هاشمی زرج آباد و همکاران، ۱۳۹۳؛ ارغان و همکاران، ۱۳۹۷؛ نقی زاده، ۱۳۹۱).

با مطالعه پژوهش های بنیادی که در حوزه شهر اسلامی و متعاقب آن مسکن اسلامی (به طور محدود) انجام شده است، می توان ویژگی ها و معیارهای اصلی ساخت و ساز مسکن را استخراج کرد. بدین ترتیب مهم ترین معیارهای مسکن شایسته اسلامی عبارت اند از: مکانی برای اقامت خانواده های گسترده و محل آرامش خانواده (Al-Hussayen, 1999؛ نقی زاده، ۱۳۹۱؛ ضرغامی، ۱۳۸۹؛ ضرغامی و سادات، ۱۳۹۵) حریم خصوصی و محرمیت (Othman and et al., 2015; Al-Kodmany, 2007; Babangida and Sani-Katsina, 2015; Tawfik, 1996; Wapner and et al., 2000; Mohd and et al., 2013; Yarwood, 2011؛ سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶؛ اردلان و بختیار، ۱۳۸۰)، مکان معنویت و عبادت (Bahnassi, 2003;

شهرهای ایرانی اسلامی می داند و بر آنها تأکید می ورزد. بمانیان و همکاران (۱۳۹۲) معتقدند در ساخت و ساز مسکن در دوره اسلامی مهم ترین اصل حقوق شهروندی یعنی اصل «لا ضرر و لا ضرار» بر پایه عدل تجلی یافته است. یاران و بهرو (۱۳۹۶) در پژوهشی، ارزش های حاصل از فرهنگ و اخلاق اسلامی تأثیرگذار بر مسکن را حجاب، تعاون، طهارت، قناعت، خدامحوری و اطاعت، و تواضع می داند و تجلی این ارزش ها را در کالبد فضایی خانه مورد بررسی قرار داده اند.

ضرغامی و سادات (۱۳۹۵) داشتن حریم خصوصی، امنیت و آسایش، تواضع در خانه و استفاده از عناصر طبیعی را عواملی می دانند که امروزه برای بازگشت به الگوی مسکن اسلامی و البته ایرانی باید به آنها توجه شود. سیفیان و محمودی (۱۳۸۶) محرمیت، سلسله مراتب، درون گرایی و پیوند با طبیعت را اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام قلمداد می کنند؛ به طوری که درون گرایی و محرمیت در دوره اسلامی، بر پایه مبانی و ارزش های اعتقادی



Hashim and et al., 2006؛ یاران و بهرو، ۱۳۹۶)، همساز با حجب و حیا و متناسب با آداب مهمان‌نوازی (Othman and et al., 2015؛ منصور، ۱۳۸۹؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۱)، تناسب و چیدمان فضایی مناسب عناصر (Bahnessi, 2003؛ Malik and Mujahid, 2016؛ Hashim and et al., 2006)، توجه به فرهنگ (حمزه‌نژاد و صدریان، ۱۳۹۳؛ مرتضی، ۲۰۱۱؛ ملکی و آریان کیا، ۱۳۹۶؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ یاران و بهرو، ۱۳۹۶؛ Htin and Shalaby, 2007؛ Al-Kodmany, 2007؛ Bianca, 2000؛ Gharipour, 2017b؛ Gharipour, 2015؛ Stewart, 2001؛ Gharipour, 2017a؛ Shuaib, 2014؛ Yarwood, 2011؛ نصر، ۱۳۹۴؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ ملکی و سجادیان، ۱۳۹۵؛ ضرغامی، ۱۳۸۹)، پاک‌ی و طهارت (نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ ملکی و سجادیان، ۱۳۹۵)، جامع‌نگری و وحدت‌گرایی، حفظ و تقویت روابط همسایگی، سلسله مراتب، کمال‌گرایی (نقی‌زاده، ۱۳۹۱)، عدالت (نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ ضرغامی، ۱۳۸۹)، امنیت (نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ ضرغامی، ۱۳۸۹؛ ضرغامی و سادات، ۱۳۹۵)، بستر تعالی خانواده (ضرغامی، ۱۳۸۹؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۱)، طبیعت‌محوری (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ ضرغامی و سادات، ۱۳۹۵)، زیبایی‌شناسی (نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲)، سلسله مراتب (وثیق و همکاران، ۱۳۸۸؛ علی‌الحسابی و گنجی‌زاده، ۱۳۹۴؛ سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶؛ طبیبیان و همکاران، ۱۳۹۰؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲)، درون‌گرایی (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ هاشمی زرج آباد و همکاران، ۱۳۹۳؛ ارغان و همکاران، ۱۳۹۷؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۱). بدین ترتیب با استعانت از ادبیات پژوهش می‌توان یک مدل نظری برای مسکن شایسته اسلامی ارائه نمود.

همان‌طور که ملاحظه نمودید در بخش فوق، مهم‌ترین معیارها و اصول ساخت مسکن با یک مطالعه نسبتاً جامع جمع شدند؛ اما در این پژوهش هدف ما اصول و معیارهای ساخت‌وساز مسکن نیست و تمرکز خود را بیشتر به نماگرهای مسکن شایسته معطوف می‌نماییم که مجموعه این نماگرها، شاخص‌های مسکن شایسته اسلامی را تشکیل می‌دهند. همچنین شایان ذکر است که اصول و معیارها از متون پژوهشی استخراج شده‌اند؛ لیکن نماگرهایی که در بخش‌های ذیل بیان خواهیم کرد مستخرج از آیات و روایات دینی هستند که سندیت آنها محرز است.

روش‌شناسی

این پژوهش، ماهیت بنیادی دارد، زیرا در آن تلاش نموده‌ایم تا دانش و نظریه‌های موجود در این زمینه را بسط و توسعه دهیم. روش جمع‌آوری اطلاعات اسنادی (کتابخانه‌ای) بوده است؛ به طوری که اسناد و مدارک موجود (تمامی متون اسلامی که در آنها از مسکن سخن به میان آمده است)، با استعانت

از یک روش تحلیل محتوای کیفی (روش تحلیل محتوا دو نوع است: کمی و کیفی (Downe-Wamboldt RN, 1992؛ Mayring, 2000؛ Krippendorff, 2004)، گردآوری، طبقه‌بندی و کدگذاری گردید. تحلیل محتوا یک روش تحقیق سیستماتیک است که تجزیه و تحلیل کیفی و کمی مجموعه‌ای از اسناد و متون را میسر می‌سازد (Ward, 2012؛ Mayring, 2014؛ Kim and Kuljis, 2010) و از شش مرحله: ۱) فرمول‌بندی سؤال یا اهداف تحقیق ۲) انتخاب محتوای ارتباطی و نمونه ۳) بسط اسناد مرتبط با محتوا ۴) نهایی‌سازی واحدهای تجزیه و تحلیل ۵) آماده‌سازی جداول کدگذاری و ۶) تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده (Prasad, 2008؛ Hsieh and Shannon, 2005؛ White and Marsh, 2006) تشکیل می‌شود که در فرایند انجام پژوهش حاضر هر کدام از مراحل یاد شده رعایت شده است. در حقیقت با استفاده از روش تحلیل محتوا به توصیف عینی و منظم محتوای اسناد مربوط به مسکن شایسته در مکتب اسلامی پرداخته شده است. در مجموع این پژوهش با هدف شناسایی نماگرها و شاخص‌های مسکن شایسته اسلامی، انجام گرفته است.

یافته‌ها و بحث

اسلام، ویژگی‌های منحصر به فردی از خانه خوب و در شأن انسان تبیین می‌کند که توجه به هر یک تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان است. اینالیشیک (۱۹۹۰) در ساخت فضایی شهرهای اسلامی، بر شاخص‌های سازمان اجتماعی و کالبدی در ساخت‌وساز اصرار می‌ورزد و معتقد است که سایر شاخص‌ها کمتر مد نظر بوده‌اند؛ اما باید بگوییم که در ساخت شهر اسلامی و متعاقب آن مسکن اسلامی نماگرهای (مجموعه‌ای از نماگرها یک شاخص را شکل می‌دهند) زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر یک به فراخور دارای نقش بوده‌اند. با بررسی متون منتخب می‌توانیم مجموعه‌ای از نماگرها را استخراج کنیم که به چگونگی شایسته بودن یک مسکن در مکتب اسلام اشاره دارند. از این رو در این پژوهش مهم‌ترین نماگرهای زمینه‌ساز یک مسکن شایسته اسلامی را در قالب شاخص‌های کالبدی-زیست‌محیطی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی، دسته‌بندی خواهیم نمود. بحث کالبد و فیزیک مسکن از مهم‌ترین موضوعاتی است که در آیات و احادیث و روایات متعدد به آن اشاره شده است. مسکن شایسته از دیدگاه اسلام دارای ویژگی‌های مختلفی از ابعاد کالبدی-زیست‌محیطی است که در ادامه به شرح آنها خواهیم پرداخت. «امنیت» یکی از اولین و مهم‌ترین جنبه‌های ساخت یک مسکن شایسته است که خداوند در آیه ۱۲۶ سوره بقره به آن اشاره داشته و چنین می‌فرماید: «رب اجعل هذا بلداً آمناً» (بقره ۱۲۶). امنیت یک مسکن علاوه بر اینکه جنبه بیرونی دارد، جنبه درونی نیز دارد که از آن تحت عنوان «تخصص محوری» یاد می‌شود. بنابراین تخصص محوری در ساخت مسکن امر قطعی و مسلم است

بودن» در ساخت‌وساز مسکن در مکتب اسلام قابل پیگیری است؛ به طوری که خداوند در آیه ۱۱ سوره انعام می‌فرماید: سیرو فی الارض. البته مراد از به روز بودن با توجه به فراخور زمانی و مکان مد نظر بوده است. بنابراین می‌توان این چنین استنباط کرد که خداوند، سفر به نقاط مختلف و یادگیری تجربه از دیگران در زمینه ساخت‌وساز مسکن شایسته را امری منطقی می‌داند. بحث «حلال بودن» از جمله مهم‌ترین مسائل در ساخت مسکن شایسته اسلامی است؛ به طوری که پیامبر اکرم (ص) در نهج الفصاحه حدیث ۲۸ و مستدرک الوسائل (جلد سوم) پرهیز از به کارگیری مصالح حرام در بنای مسکن را گوشزد می‌کنند. از این رو مسکنی که از مصالح حرام ساخته شود نمی‌تواند صفت شایسته بودن را برای خود به عاریت بگیرد. مکتب اسلام در باب مسائل کالبدی مسکن بسیار حساس بوده است. امنیت و حفاظت خانه، پرهیز از تجمل و ناماسازی، توجه به تزئینات داخلی و ... از مهم‌ترین مسائلی است که نشان‌دهنده یک مسکن شایسته است. از منظر قرآن مالک مجاز به تجمل‌گرایی در نمای ساختمان نیست و ظاهر مسکن باید حالت معمولی داشته باشد و اطراف آن نیز می‌بایست با حصار محصور شده باشد. از این نظر حضرت علی (ع) زندگی در خانه فاقد حصار و باب را نمی‌پسندد. همان‌طور که متذکر شدیم در مکتب اسلام توجه به تزئینات داخلی امری پسندیده و نیک برای یک مسکن شایسته تلقی می‌شود؛ به طوری که در آیه ۶۹ سوره بقره استفاده از رنگ و رنگ کاری داخل خانه مورد تأکید است. گچ کردن خانه، زیباسازی و آرایش منزل (بحار، ج ۷۶)، نظافت خانه (محاسن، ج ۲: ۶۲۴)، لزوم پنهان بودن سرویس بهداشتی (بحار، ج ۳)، پرهیز از نصب مجسمه (کنز العمال، ج ۱۵: ۳۹۵)، داشتن تهویه و بادگیر بودن مسکن (بحار، ج ۱۰) و هوای مطبوع و کیفیت آب (تحف العقول) از مهم‌ترین دستوراتی است که برای شایسته بودن یک مسکن باید به آنها توجه ویژه مبذول گردد.

در مکتب اسلام مباحث اقتصادی نیز در ساخت‌وساز یک مسکن شایسته مهم بوده است. یکی از آیاتی که صراحتاً به این موضوع می‌پردازد، آیه ۱۲۶ سوره بقره است.^{۱۵} اهمیت اقتصادی مسکن به اندازه‌ای مهم است که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اولین چیزی که خریداری می‌شود و آخرین چیزی که به فروش می‌رسد باید خانه باشد» (شرح نهج البلاغه، ج ۲۰: ۳۱۲). همچنین پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «اگر کسی خانه بفروشد و پولش را در تهیه خانه دیگر صرف نکند، برای او برکت نخواهد داشت» (نهج الفصاحه، ج ۱: ۲۹۳). بحث دیگری که در رابطه با ساخت مسکن شایسته مطرح است به «هزینه» بازمی‌گردد. امروزه به خصوص در جوامع پلاریزه، هزینه‌های هنگفتی به ساخت مسکن تخصیص می‌یابد که با نگاهی به اصول و دستورالعمل‌های مندرج در متون اسلامی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. از این رو هزینه مسکن یکی از مهم‌ترین نماگرهایی است که قرآن در سوره نحل آیه ۲۸ به آن اشاره دارد. طبق این آیه صرف هزینه کمتر برای مسکن شایسته‌تر است. در حقیقت قرآن به

که در کتب معتبره به آن اشاره شده است (کافی، ج ۵: ۱۱۳؛ بحار، ج ۱: ۱۱۰). در مکتب اسلام علاوه بر معماری بیرونی مسکن به معماری درونی مسکن نیز توجه شده است. از این رو «وسعت» مسکن یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که در ساخت مسکن اسلامی شایسته همواره در کانون توجه قرار داشته است. به فرمایش حضرت علی (ع) برکت مسکن به سه چیز بستگی دارد: جایگاه، وسعت و همسایگان خوب (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۲۶؛ مشکینی و ضرغام فرد، ۱۳۹۸). همچنین پیامبر اکرم نیز حیات بزرگ و وسعت منزل را عاملی برای سعادت انسان و ارزش مسکن می‌داند (المحاسن، ج ۲: ۶۱۱؛ بحار، ج ۷۳: ۱۵۴؛ نهج الفصاحه ص ۲۴۸؛ خصال ۱۸۳). ایشان در سندی دیگر می‌فرمایند کسی که در خانه مخروبه زندگی کند خداوند پاسخش را نمی‌دهد (نهج الفصاحه، حدیث ۱۲۲۵). علاوه بر وسعت، امنیت و تخصص محوری، «محکم کاری» از معیارهای مهم مسکن شایسته از منظر مکتب اسلام است؛ به طوری که پیامبر در یکی از احادیث می‌فرماید: «هر کس ساختمانی بنا کند و در آن کم بگذارد، پاداشی نخواهد داشت» (المحاسن، ج ۲: ۶۰۸). مسئله دیگری که در ساخت مسکن مد نظر بوده است به «انطباق با طبیعت» بازمی‌گردد. بر اساس آیه ۶۸ سوره نحل، خداوند انسان را برای ساخت‌وساز مسکن به طبیعت ارجاع می‌دهد و الهام از طبیعت در ساخت‌وساز مورد تأکید است. در گذشته رابطه انسان، محیط طبیعی و ساخت‌وساز به صورتی بوده که هم انسان در ارتباط مستقیم با طبیعت بوده و هم ساخت‌وساز مسکن در بستر طبیعت شکل می‌گرفته است (زارع و همکاران، ۱۳۹۱). این موضوع امروزه تحت عنوان نظریه «بیوفیلیک»^{۱۶} (زیاری و همکاران، ۱۳۹۴) مطرح است که در حقیقت از دین اسلام منشأ می‌گیرد. «ارتفاع مسکن» معیار دیگری است که در مکتب اسلام بدان تأکید شده و آن را در راستای اصل محرمیت و عدم اشراف مورد توجه قرار داده است. در متون مختلف در خصوص ارتفاع مسکن سخن رانده شده و از جوانب مختلف نظیر نورگیری، اشراف، امنیت و ... مورد بررسی قرار گرفته است. بحث مهم دیگری که در خصوص مسکن شایسته می‌توان از متون اسلامی استخراج کرد، مسئله «محیط‌زیست» است که حفظ آن به شدت توصیه می‌شود. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه بر حفظ محیط‌زیست تأکید دارد و این مطلب را به ساکنان شهرها گوشزد می‌نماید. طبق آیات ۲۱۱ بقره، ۸۱ طه، ۱۱۹ نسا، ۲ فرقان، ۷ کهف و ۲۷ انفال، تخریب محیط‌زیست و زمین برای ساخت‌وساز امری ناپسند است. بدین ترتیب تخریبی که برای ساخت‌وساز مسکن در شهرها صورت می‌گیرد مصداق بارز ظلم بوده و نمی‌تواند پسندیده باشد. برای تأکید بر این موضوع مهم می‌توان به پژوهش لاپیدوس^{۱۷} استناد کرد. وی در اولین پژوهش خود «شهرهای مسلمان در قرون متأخر وسطی»^{۱۸} زمین را منشأ معیشت شهری می‌داند و معتقد است که شهروندان زمین‌های اطراف شهر را برای ساخت مسکن انتخاب نمی‌کنند؛ این در حالی است که «کنترل سیاسی مستقیم» آن را بر عهده دارند (Lapidus, 1967; Sato, 2014). همچنین بحث «به‌روز

ساخت مسکن «کم هزینه» اشاره دارد؛ اما مسئله دیگری که امروزه در جوامع اسلامی از آن غفلت شده، مسئله «سوداگری و احتکار» مسکن است. از نظر اسلام ساخت خانه و احتکار و خالی نگه داشتن آن امر ناشایستی بوده و همواره آن را مورد نکوهش و سرزنش قرار داده است. پس از بررسی و تشریح نماگرهای مربوط به شاخص های کالبدی-زیست محیطی و اقتصادی اکنون به شاخص های اجتماعی-فرهنگی خواهیم پرداخت و نماگرهای وابسته به این شاخص را از متون اسلامی استخراج خواهیم نمود. مسکن یکی از بزرگ ترین نعمت هایی است که انسان همواره برای دستیابی به آن در تلاش است. مسکن نوازشگر روح و روان انسان است و مکانی است که وی را از دنیای بیرون می راند و او را در خود هضم می نماید (مشکینی و ضرغام فرد، ۱۳۹۸). از این رو در آیه ۸۰ سوره نحل از مسکن، به عنوان «نعمت» یاد شده است و خداوند آن را مایه آرامش و آسایش انسان قرار داده است. حضرت علی (ع) نقش حکومت ها را در خلق آسایش و رفاه انسان ها مهم دانسته بر آن تأکید می نماید (مناقب شهرآشوب، ج ۱: ۳۰۶). همچنین در سوره نحل آیه ۸۰ از خانه به عنوان مکان آسایش و آرامش انسان یاد می شود. بدین ترتیب آرامش و آسایش یکی از مهم ترین نماگرهای یک مسکن شایسته اسلامی است که همواره در متون دینی متعددی بر آن تأکید شده، اما با گذشت زمان رنگ باخته است. از احکام بسیار مهم در ساخت یک مسکن شایسته در مکتب اسلام، به «حفظ محرمت» خانواده و عدم ورود به خانه بدون اجازه مربوط می شود. طبق آیه ۵۸ سوره نور، فرزندان حق ورود بدون اجازه به اتاق والدین را ندارند. شاخص محرمت، علاوه بر فضای درونی به فضای بیرون خانه نیز مربوط می شود. در این راستا پیامبر اکرم می فرماید: «از جمله حقوق همسایه آن است که از بام به خانه او ننگری و اگر چوبی بر دیوار تو نهد، منع نکنی» (غزالی، ۱۳۵۵). وثیق و همکاران (۱۳۸۸) از این اصل مهم تحت عنوان «سلسله مراتب» یاد کرده اند که این مهم در پژوهش علی الحسابی و گنجی زاده (۱۳۹۴) نیز مورد تأکید بوده و آن را عاملی مهم در سبک زندگی اسلامی می دانند؛ از این رو در دین اسلام برای اینکه به یک مسکن، صفت «شایسته» و نسبت دهیم، می بایست سلسله مراتب نیز رعایت گردد. «محرمت» یکی از اصول اساسی حاکم بر هستی و پدیده های آن است که تأثیرات آن در ساختار کالبدی-فضایی معماری سنتی غیرقابل کتمان است (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰). پیرامون مسئله «محرمت و حفظ حریم» می توان به آیات ۲۷ و ۳۱ و ۶۱ سوره مبارکه نور و همچنین آیه ۲۳ سوره مبارکه نساء و آیه ۸۰ سوره مبارکه نحل اشاره نمود. در این آیات به نماگر محرمت در ساخت مسکن اشاره شده است. بحث دیگری که در حیطه مسائل اجتماعی مسکن باید مد نظر قرار گیرد مسئله «اشراف» است؛ به طوری که در برخی احادیث اشراف به خانه همسایه مذمت شده است (بحار، ج ۷۳: ۳۶۱). همان طور که در فوق متذکر شدیم مسئله اشراف از جنبه های مختلف مورد تأکید است. خداوند در سوره نساء آیه ۳۶، نیکی به همسایه را محترم شمرده و بر آن تأکید می ورزد.

در بسیاری از آیات و احادیث به همسایه مداری اشاره شده است (بحار، ج ۶۴: ۳۴۰؛ من لایحضر الفقیه، ج ۲: ۶۲۳؛ ماعون، آیه ۴ و ۷؛ کافی، ج ۸: ۲۴؛ نهج البلاغه: ۳۰۶) و وظایف متقابل آنها مورد تأکید بوده است. بدین ترتیب از ویژگی های یک مسکن شایسته، توجه ساکنان آن به اصل «همسایه مداری» است. مکتب اسلام به مباحث فرهنگی که صفت شایسته را برای یک مسکن به ارمغان می آورد نیز توجه دارد. در سوره ابراهیم آیه ۳۷ به موضوع «محببتی» که در یک خانه جاری می شود، اشاره گردیده است. از این منظر می توان گفت شایستگی یک مسکن به نوع جریانات و روابط احساسی که در درون خانه جاری است نیز مرتبط می شود. پس شایسته بودن یک خانه بعد ذهنی نیز دارد.^{۱۶} از دیدگاه قرآن علاوه بر محبت، موضوع «معنویت»^{۱۷} (روم ۴۱) نیز در شایسته بودن خانه دخیل است. معنویت مسکن به مناسب بودن آن برای عبادات و ادای واجبات دینی بازمی گردد؛^{۱۸} لذا توجه به کالبد و جسم انسان مهم است. علاوه بر این باید در ساخت و ساز مسکن روح و روان انسان نیز مد نظر باشد (معنویت).

«مکان گزینی» مسکن نیز در دین اسلام مورد توجه است، یعنی قرارگیری مسکن در مکان حلال و غیرغصبی نکته مهمی است که با شایستگی و مناسب بودن مسکن ارتباط دارد. در مکان گزینی مسکن، نقش زمین بسیار چشمگیر است؛ به طوری که در بحار جلد ۷۵، به زمینی که مسکن روی آن احداث می شود توجه شده است. بدین ترتیب یکی از ویژگی های مسکن شایسته جانمایی آن در زمین حلال است (زمر، ۷۴). «عدالت و انصاف» در ساخت و ساز مسکن نیز در سوره بقره، آیه ۲۸۶^{۱۹} و الکافی، جلد ۵، صفحه ۲۸۹ مورد تأکید است؛ به طوری که امام صادق (ع) در تکریم کارگران می فرماید: «قبل از اینکه عرقشان خشک شود، مزدشان را بدهید». موضوع بسیار مهم دیگری که همواره در مکتب اسلام به آن اشاره شده، «فخر فروشی» است. طبق آیه شماره ۸۳ سوره قصص، رستگاری در زمین مختص کسانی است که فخر فروشی نکنند و از آنجا که عمده فخر فروشی ها به مسکن مربوط می شود، مسکن نباید عامل فخر فروشی باشد. در این باب می توان به آیه ۵۱ سوره زخرف استناد کرد. در این آیه یکی از دلایل تکبر فرعون مسکن او قلمداد شده است. از سوی دیگر پیامبر اسلام (ص) در الحیاء، جلد دوم، ساختن مسکن مازاد بر آنچه نیاز است را جایز نمی شمرد. بدین ترتیب «سادگی و دوری از زرق و برق» در ساخت مسکن مد نظر مکتب اسلام بوده است. برای اثبات گفته های خود می توانیم به فرموده حضرت علی (ع) اتکا کنیم. ایشان به یکی از اطرافیان خود که خانه مجللی ساخته بود، فرمود: «سکه های طلا و نقره سر و کله خود را نشان داده اند؛ این ساختمان می گوید تو مرد ثروتمندی هستی» (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۵). امام باقر (ع) نیز پیرامون سادگی مسکن سخن رانده و از خانه حضرت علی به عنوان نمونه یاد کرده است (المناقب، ج ۲: ۹۵).^{۲۰} در مجموع تمامی آنچه در این بخش بیان گردید حاصل تلاشی چند ماهه و جست و جو در آیات، احادیث و اسناد معتبر دینی بوده است که نهایتاً به صورت جدول زیر ارائه می گردد:

نتیجه‌گیری

شهر اسلامی از لحاظ ساختار کالبدی، چیدمان و کاربری‌ها دارای منطق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده که می‌تواند آموزه‌هایی برای برنامه‌ریزی و طراحی مدرن داشته باشد. به کارگیری مفهوم ساخت‌وساز اسلامی به‌طور عام و مسکن اسلامی به‌طور خاص حاکی از ماهیت ایدئولوژیک آن است. بدین معنا که مسکن شایسته اسلامی یک ایدئولوژی است که از جهان‌بینی اسلامی نشئت می‌گیرد. در اصول ساخت شهر اسلامی به تمامی اجزا توجه گردیده که مسکن هم از این قاعده مستثنا نیست؛ اما اسلام به‌طور مستقیم چگونگی برنامه‌ریزی و ساخت مسکن را آموزش نمی‌دهد، لیکن دستورها و رهنمودهایی به مسلمانان ارائه داده که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با مسکن مرتبط‌اند. حفاظت از حریم شخصی در برابر دنیای خارج، احترام به حقوق مهمانان، احترام به حقوق همسایگان، رعایت حریم درون مسکن (رابطه بین مردان و زنان)، انجام وظایف مذهبی، بهداشت، همزیستی مسالمت‌آمیز با محیط طبیعی، ایمنی، امنیت، تفریح، عفت و ... از جمله مواردی هستند که در ساخت‌وساز مسکن بر آنها تأکید می‌شود و دستور به رعایت آنها می‌دهد. به عنوان یکی از نتایج اصلی این پژوهش باید بگوییم که در جای جای جهان اسلام از خاورمیانه گرفته تا شبه‌قاره هند، ترکیه، ایران، غرب اسلامی، آسیای جنوب شرقی و ... روح و ماهیت اساسی همه انواع مسکن اسلامی، همواره یکسان و مشابه بوده است، لیکن با ورود فرهنگ غرب و استعمار به برخی از این نقاط، شکل و تیپولوژی مسکن دچار دگرگونی شده است؛ اما در تمامی نقاط یاد شده همواره مسکنی که در دوره حکومت اسلامی احداث شده‌اند - که در این پژوهش از آن ذیل عنوان «مسکن شایسته اسلامی» یاد کردیم - داری شکل، فرم و عناصر یکسان بوده‌اند. مسکن شایسته اسلامی، حاوی عناصری است که داری معنا و روح هستند و هر کدام از این عناصر، کارکرد ویژه و تعریف شده‌ای برای خود دارند. به‌طور کلی مسلمانان در وهله اول خانه‌های خود را شکل می‌دادند و سپس از خانه متأثر می‌شدند و به عبارتی جهان‌بینی آنان از محل اقامت آنان تغذیه می‌شد. این موضوع مهم را می‌توانیم در بیانیه وینستون چرچیل نیز ببینیم که معتقد است: «ما ابتدا ساختمان‌ها را بنا می‌کنیم و به آنها فرم می‌دهیم و سپس این ساختمان‌ها هستند که روی ما اثر گذاشته و دنیای ما را شکل می‌دهند». بدین ترتیب، اصطلاح «مسکن شایسته اسلامی» را می‌توان با بسط و ملموس‌سازی معیارهای آن به‌صورت «پارادایم مسکن شایسته اسلامی» درآورد و آن را جهان‌شمول نمود. البته در این مسیر مشکلات و موانع متعددی وجود خواهد داشت؛ لیکن به‌طور قطع این مهم را حداقل در جهان اسلام می‌توان به یک پارادایم مسلط در برنامه‌ریزی و مطالعات مسکن تبدیل کرد.

جدول شماره ۲: شاخص‌ها و نماگرهای مسکن شایسته اسلامی

شاخص	نماگر	منابع
کالبدی-محیط زیستی	تزئین داخلی	(بقره، ۶۹)؛ (بهار، ج ۷۶)؛ (محاسن، ج ۲: ۶۲۴)؛ (بهار، ج ۳)؛ (کنز العمال، ج ۱۵: ۳۹۵)؛ (زخرف، ۳۴).
	نمای ساختمان	(عاملی، ۱۴۰۹ ق)؛ (شیخ صدوق، ۱۳۷۷ ق)
	حفاظت	(کهف، ۹۴)؛ (حشر، ۱۴)
	وسعت	(خصال، ۱۸۳)؛ (المحاسن، ج ۲: ۶۱۱)؛ (بهار، ج ۷۳: ۱۵۴)؛ (نهج الفصاحه: ۲۴۸)؛ (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۲۶)
	ارتفاع	(مجلسی، ج ۷۶: ۱۵۰)؛ (عاملی، ۱۴۰۹ ق)؛ (شعرا، ۱۲۸)
	زمین حلال و مناسب	(نهج الفصاحه، حدیث ۳۸)؛ (مستدرک الوسائل، ج ۳)؛ (بهار، ج ۷۵)؛ (اعراف، ۷۴)؛ (حرانی، ۱۴۰۴ ق)؛ (کلینی، ج ۶: ۵۲۶)
	دوری از تخریب محیط زیست و زمین	(بقره، ۲۱۱)؛ (طه، ۸۱)؛ (نساء، ۱۱۹)؛ (فرقان، ۲ و ۷)؛ (کهف، ۲۷)
	استحکام	(المحاسن، ج ۲: ۶۰۸)؛ (بقره، ۱۲۷)؛ (حجر، ۸۲)؛ (اعراف، ۷۸)
	به‌روز بودن	(انعام، ۱۱)
	همسازی با طبیعت	(نحل، ۶۸)
اجتماعی-فرهنگی	همسایه‌مداری	(نساء، ۳۶)؛ (ماعون، ۴ و ۷)؛ (بهار، ج ۶۴: ۳۴۰)؛ (من لایحضر الفقیه، ج ۲: ۶۲۳)؛ (کافی، ج ۸: ۲۴)؛ (نهج البلاغه: ۳۰۶)؛ (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۲۶)؛ (بقره، ۸۹)؛ (نور، ۶۱)
	حریم خصوصی و محرمیت	(نور، ۵۸، ۲۷، ۲۸، ۲۹)؛ (بهار، ج ۷۳: ۳۶۱)؛ (نور، ۵۸، ۵۹)؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۱)؛ (غزالی، ۱۳۵۵)؛ (نور، ۶۱، ۳۱، ۲۷، ۲۸، ۵۸، ۵۹)؛ (نساء، ۲۳)؛ (نحل، ۸۰)
	آسایش و آرامش	(نحل، ۸۰، ۱۱۲)؛ (مناقب، ج ۱: ۳۰۶)؛ (احزاب، ۳۳)؛ (بقره، ۱۸۹)
	بهره‌گیری از نور طبیعی	(سبا، ۱۳)
	دوری از فخرفروشی در ساخت مسکن	(قصص، ۸۳)؛ (الحیاه، ج ۲)؛ (زخرف، ۴۳، ۳۵، ۵۱)؛ (غافر، ۳۳)
	دل‌پذیری و جایگاه مناسب	(تحف العقول)؛ (بهار، ج ۱۰)؛ (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۲۶)
	امنیت	(بقره، ۱۲۵، ۱۲۶)؛ (نحل، ۸۰، ۱۱۲)؛ (بقره، ۱۲۵)؛ (حجر، ۸۲)؛ (تین، ۳)
	معنویت و عبادت	(روم، ۴۱)؛ (ابراهیم، ۳۷)؛ (نور، ۳۶)؛ (مائده، ۱۱)؛ (توبه، ۲۴)؛ (قصص، ۵۸)
	محبت	(ابراهیم، ۳۷)
	آزادی	(زمر، ۷۴)
اقتصادی	قداست	(نحل، ۸۰)؛ (مائده، ۲۶)
	هویت	(حج، ۲۶)؛ (قریش، ۳)
	هزینه	(نحل، ۳۸)
	سادگی	(نهج البلاغه، حکمت ۳۵۵)؛ (المناقب، ج ۲: ۹۵)
	انصاف در ساخت‌وساز	(بقره، ۲۸۶)؛ (الکافی، ج ۵: ۲۸۹)
	خرید و فروش	(شرح نهج البلاغه، ج ۲۰: ۳۱۲)؛ (نهج الفصاحه، ج ۱: ۲۹۳)
	معیشت	(بقره، ۱۲۶)

پی نوشت‌ها:

1. Islamic city
 2. Myth
 3. L'islamisme et la vie urbaine
 4. William Marçais
 5. Georges Marçais
 6. Robert Brunschvig
 7. مفهوم مسکن شایسته با مفهوم «حق به مسکن شایسته» ارتباط دارد که در بیانیه‌های مختلف به آن تأکید شده است (هویتات، ۲۰۱۱).
 8. Mery Douglas
 9. Yousef Alqarzavi
 10. Defensible Space
 11. Inalcik
 ۱۲. بیوفیلیک (Biophilic) به معنای استفاده از طبیعت در داخل مسکن است که امروزه به‌شدت مورد تأکید بوده و پژوهش‌های متعددی حول محور آن انجام پذیرفته است.
 13. Lapidus
 14. Muslim Cities in the Later Middle Ages
 ۱۵. و ارزق اهله من الثمرات
 ۱۶. فاجعل افئده من الناس تحوی الهیم (ابراهیم ۳۷).
 ۱۷. فساد در خشکی و دریا ظاهر شد به واسطه اعمال مردم (روم ۴۱).
 ۱۸. اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی ذرع عند بیتک المحرم رینا لقیمو الصلاة (ابراهیم ۳۷).
 ۱۹. پروردگار هیچ بار گرانی را بر اِدوش ما مگذار
 ۲۰. امام باقر(ع) می‌فرماید: «حضرت علی پنج سال حکومت کرد، اما نه آجری روی آجر گذاشت و نه خشتی روی خشت». این امر حکایت از «سادگی» مسکن مسئولان دارد.
- فهرست منابع و مراجع**
۱. ابراهیمی، غزاله؛ والا، بهنام و محمودی نژاد، هادی (۱۳۹۵)، «بررسی محرمیت در معماری سنتی ایران». چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران.
 ۲. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰)، *حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی*. ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
 ۳. ارغان، عباس؛ صمیمیان، مهدی و جوادیان، رحیمه (۱۳۹۷)، «درون‌گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی (مطالعه موردی: شهر سمنان)»، *کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام*، دانشگاه تبریز (دانشگاه شهید مدنی آذربایجان) دانشگاه علمی کاربردی شهرداری تبریز، تبریز.
 ۴. بمانیان، محمدرضا؛ ارجمندی، سحر و علی محمدی، فرزانه (۱۳۹۲)، «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه‌های ایرانی-اسلامی)»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۲، صفحه ۸۹-۱۰۰.
 ۵. حبیبی، سید محسن (۱۳۹۵)، *از شار تا شهر*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ۶. حرّانی، ابن شعبه (قرن ۴ ه.ق). *تَحْفُ الْعُقُولِ فِيمَا جَاءَ مِنَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ مِنْ آلِ الرَّسُولِ*. ترجمه صادق حسن زاده. قم (۱۳۸۲).
 ۷. حرّانی، حسن (۱۴۰۴)، *تحف العقول*، جامعه مدرسین، قم.
 ۸. حمزه‌نژاد، مهدی و صدریان، زهرا (۱۳۹۳)، «اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر»، *پژوهش‌های معماری اسلامی*، شمار چهارم، سال اول، صفحه ۵۸-۷۶.

۹. زارع، لیلا؛ نقی زاده، محمد و حریری، شراره (۱۳۹۱). «رابطه طبیعت و حیاط مرکزی (با نگاه به معماری مسکن ایرانی- کاشان)»، *هویت شهر*، دوره ۶، شماره ۱۲، صفحه ۴۹-۶۰.
۱۰. زیاری، کرامت‌اله؛ ضرغام فرد، مسلم و خادمی، امیرحسین (۱۳۹۴)، *برنامه‌ریزی شهری با رویکرد بیوفیلیک*، انتشارات آزاد کتاب، چاپ دوم.
۱۱. سازمان ملل (۲۰۰۶)، *مسکن اجتماعی: اصول و نمونه‌ها*، ترجمه عباس رجایی، مسلم ضرغام فرد و ببرز کریمی. انتشارات طحان.
۱۲. سیفیان، محمدکاظم و محمودی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «محرمیت در معماری سنتی ایران»، *هویت شهر*، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۳-۱۴.
۱۳. شیخ صدوق (۱۳۷۷)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ترجمه ابراهیم محدث بندر ریگی، انتشارات اخلاق، قم.
۱۴. ضرغام فرد، مسلم (۱۳۹۶)، *ارزیابی سیاست‌های مسکن از منظر تأمین نیاز گروه‌های هدف*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی کرامت‌اله زیاری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
۱۵. ضرغامی، اسماعیل و سادات، سیده اشرف (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی- اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز»، *فصلنامه نقش جهان*، شماره ۲-۶، صفحه ۶-۷۲.
۱۶. ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹)، «اصول پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در شهرهای ایرانی- اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی*، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۱۰۳-۱۱۵.
۱۷. طبرسی، شیخ حسن (۱۳۷۰)، *مکارم الاخلاق*، ترجمه سید ابراهیم میرابقری، انتشارات فراهانی، قم.
۱۸. طبرسی، شیخ حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ترجمه هشام رسولی، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۱۹. طبیبیان، منوچهر؛ چریگو، نصیبه و عبدالهی مهر، انسیه (۱۳۹۰)، «بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی- اسلامی»، *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، دوره ۴، شماره ۷، صفحه ۶۳-۷۶.
۲۰. علاءالدین علی بن حسام (م ۹۷۵ یا ۹۷۷ هـ)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*.
۲۱. علی الحسبایی، مهران و گنجی زاده، نازنین (۱۳۹۴)، «تجلی سبک زندگی اسلامی در معماری مسکونی ایرانی با تأکید بر نقش سلسله مراتب فضایی و عرصه‌بندی در معماری خانه ایرانی»، *دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار*.
۲۲. غزالی، محمد (۱۳۵۵)، *کیمیای سعادت*، به کوشش احمد آرام، کتاب‌فروشی مرکزی، تهران.
۲۳. قرآن کریم (۱۳۷۴)، *ترجمه ناصر مکارم شیرازی*، دارالقرآن کریم، قم.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مقدمه.
۲۵. کلینی، محمد بن علی (۱۳۰۷)، *الکافی*، تصحیح محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۶. مشکینی، ابوالفضل و ضرغام فرد، مسلم (۱۳۹۸)، *برنامه‌ریزی مسکن شهری با نگاهی به ایران*، انتشارات سمت، تهران.
۲۷. مشکینی، ابوالفضل؛ خیرخواه، مرضیه و شعیان زاده نمینی، رضا (۱۳۹۷)، «تبیین معیارهای درون‌گرایی در شهرهای اسلامی»، *جغرافیا و روابط انسانی*، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۴۹۶-۵۱۴.
۲۸. ملک‌شاهی، غلامرضا (۱۳۸۰)، «تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهر اسلامی»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، شماره ۳.
۲۹. ملکی، سعید و آریان کیا، مصطفی (۱۳۹۶)، «سنجش تطابق کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های شهر گرگان مبتنی بر شاخص‌های مسکن ایرانی- اسلامی»، *فصلنامه مطالعات عمران شهری*، دوره ۴، صفحه ۱۳۹-۱۵۳.

- sign", *Journal of Urban Design*, 4(3): 283-311 <https://doi.org/10.1080/13574809908724452>.
48. Al-Sayyad, N. (1991). *Cities and Caliphs: On the Genesis of Arab Muslim Urbanism*. Greenwood Press, Westport, USA.
 49. Al-sayyad, N. (1996). "The Study of Islamic Urbanism: An Historiographic Essay", *Built Environment*, 22(2): 91-97. <https://www.jstor.org/stable/i23287645>.
 50. Azizah, R and Putri, R.H. (2013). "Implementation of hijab concept in Arab house Pasar Kliwon Surakarta", *J. Islam. Archit.*, 2 (3):106-113.
 51. Babangida, H., and Sani-Katsina, H. (2017). "Integrating Islamic design principles for achieving family privacy in residential architecture", *Journal of Islamic architecture*, 5(1). <http://dx.doi.org/10.18860/jia.v5i1.4407>.
 52. Bachelard, G. (1994). *The Poetics of Space*. Boston: Beacon Press.
 53. Bahnassi, A. (2003). *The Islamic Architecture and Its Specificities in Teaching Curricula*. ISESCO,
 54. Barau, A.S. (2010). Sharia land use sustainability model. In *Book of Proceedings of Conference on Technology and Sustainability in the Built Environment (Volume 4)*. College of Architecture and Planning, King Saud University, Riyadh.
 55. Bianca, S. (2000). *Urban form in the Arab world: past and present*. London: Thames & Hudson.
 56. Bianca, S. (2003). *Urban Form in the Arab World*. London; New York: Thames and Hudson.
 57. Bonine, M.E. (2007). *Islamic Urbanism, Urbanites, and the Middle Eastern City*. Cited in *A Companion to the History of the Middle East (Choueiri, Y.M)*, <https://doi.org/10.1002/9780470996423.ch21>.
 58. Brown, K. L., Jolé, M., Sluglett, P., and Zubaida, S. (Eds). (1986). *Middle Eastern Cities in Comparative Perspective*. (London and Ithaca, 1986).
 59. Correia, J and Taher, M. (2015). "Traditional Islamic cities unveiled: the quest for urban design regularity". *Gremium: Revista de Restauración Arquitectónica*. <http://hdl.handle.net/1822/44223>.
 60. Downe-Wamboldt RN, B. (1992). "Content analysis: Method, applications, and issues", *Health Care for Women International*, 13(3), 313-321, DOI: 10.1080/07399339209516006.
 61. Eickelman, D. F. (1981). *The Middle City: An Anthropological Approach*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall Inc.
 62. Ennahid, S. (2002). "Access regulation in Islamic urbanism: the case of medieval Fès", *The Journal of North African Studies*, 7:3, 119-134, <https://doi.org/10.1080/13629380208718477>.
 63. Fakhimzade, H., Beyki, S., Darban Rezaee, E.M., and Shabani, M. (2016). "The Comparative Study of the Intellectual, Behavioral, and Objective Scopes in the "Muslims' City" with the Principles of the "Islamic City"". *International journal of humanities and cultural studies*, Issue: 523-5.
 64. Fischel, I. W. (1956.). "The City in Islam", *Middle Eastern Affairs*, vol.7, pp. 227-232.
 ۳۰. ملکی، سعید و سجادیان، مهیار (۱۳۹۵)، «تدقیقی بر ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه‌های اسلام»، *چشم‌انداز زاگرس*، دوره ۸، شماره ۲۷، صفحه ۸۳-۱۱۲.
 ۳۱. منصوری، علی (۱۳۸۹)، «حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی-اسلامی (نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز)»، *مسکن و محیط روستا*، دوره ۲۹، شماره ۱۳۰، صفحه ۳۸-۴۹.
 ۳۲. نصر، طاهره (۱۳۹۴)، «جایگاه پارادایم معماری مسکن در سیمای امروز شهر ایرانی-اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، شماره ۲۲، صفحه ۶۷-۷۸.
 ۳۳. نظریان، اصغر (۱۳۹۲)، *پویایی نظام شهری ایران*، انتشارات مبتکران.
 ۳۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، «تأملی در شناخت میانی مسکن اسلامی ایرانی»، *نشریه هنر*، شماره ۱۷۰.
 ۳۵. سیدرضی (۱۳۸۸)، *نهج البلاغه*، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، قم.
 ۳۶. محمد بن عبدالله (۱۳۲۴)، *نهج الفصاحه*، به کوشش انتشارات جاویدان.
 ۳۷. هاشمی زوج آباد، حسن؛ تقوی، عابد و مسعودی، ذبیح‌الله (۱۳۹۳)، «درون‌گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی-اسلامی (نمونه پژوهش میدانی: خانه‌های تاریخی بیرجند)»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، دوره ۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۴، صفحه ۱۲۳-۱۴۶.
 ۳۸. هبیتات (۲۰۱۱)، *حق به مسکن شایسته: به عنوان مؤلفه‌ای از حق به شهرو*، ترجمه و اضافات ابوالفضل مشکینی و مسلم ضرغام‌فرد، انتشارات طحان.
 ۳۹. مرتضی، هشام (۲۰۱۱)، *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام*، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، نشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
 ۴۰. وثیق، بهزاد؛ پشتون‌زاده، آزاده و بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۸)، «مکان و مسکن از منظر اسلام». *علوم قرآن و حدیث، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، سال اول، شماره ۳، صفحه ۹۳-۱۰۲.
 ۴۱. یاران، علی و بهرو، حسین (۱۳۹۶)، «تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها (نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل)»، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، سال ۵، شماره ۱۵، صفحه ۹۱-۱۰۷.
 - ۴۲.
 43. A. Al-Hussayen, M. (1999). "Spatial Characteristics of Traditional Houses of Al-Medinah, Saudi Arabia", *Architectural Science Review*, 42(4). <https://doi.org/10.1080/00038628.1999.9697429>.
 44. Abd-El-Aziz Nour, M. M. (1981). "Factors underlying traditional Islamic urban design", *Planning Outlook*, 24:1, 29-32, DOI: 10.1080/00320718108711633.
 45. Abu-Lughod, J.L. (1987). "The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 19, No. 2, pp. 155-176. <https://www.jstor.org/stable/163352>. Cambridge University Press.
 46. Alitajer, S., and Nojourni, Gh. (2016). "Privacy at home: Analysis of behavioral patterns in the spatial configuration of traditional and modern houses in the city of Hamedan based on the notion of space syntax", *Frontiers of Architectural Research*, 5(3): PP341-352. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2016.02.003>.
 47. Al-Kodmany, Kh. (2007). "Residential visual privacy: Traditional and modern architecture and urban de-

84. King, P. (2004). *Private Dwelling: Contemplating the use of housing*. Routledge.
85. Krippendorff, K. (2004). *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology*. SAGE.
86. Lapidus, I.M. (1967). *Muslim Cities in the Late Middle Ages*. Cambridge University Press.
87. Malik, S., and Mujahid, B. (2016). "Perception of house design in Islam: experiences from Saudi Arabia and Pakistan", *Journal of Islamic thought and civilization*, 6(2): 53-76. <https://doi.org/10.32350/jitc.62.04>.
88. Marçais, G. (1945). *La conception des villes dans l'Islam*. *Revue d'Alger*, 2: 517-533.
89. Marçais, W. (1928). *L'Islamisme et la vie urbaine*. *L'Academie des Inscriptions et Belles Lettres. Comptes Rendus*, January-March: 86-100.
90. Marshall, A. (1890). *Principles of Economics*. London: Macmillan and Co.
91. Mayring, P. (2000). "Qualitative Content Analysis Forum Qualitative Sozialforschung", *Forum: Qualitative Social Research*, 1(2), Art. 20, <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0114-fqs0002204>.
92. Mayring, P. (2014). *Qualitative Content Analysis. Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution*. Klagenfurt, Austria.
93. Melnikas, B. (1998). "Management and modernization of housing facilities: specific features of central and eastern European countries", *Facilities*, 16(11), 326-333. <http://dx.doi.org/10.1108/02632779810233601>.
94. Mohamad, J.B. (1995). *Building Heaven on Earth: Islamic Values in Urban Development*. This article is revised version of paper presented at the Fifth Malaysia-Singapore Forum held in Singapore from 11- 13th December 1995.
95. Mohd, R., Noorul, H and Talib, A. (2013). "The Concept of Privacy and the Malay Dwelling Interior Space Planning", *Social and Behavioral Sciences* 101, p 404 - 414.
96. Mortada, H. (2011). *Traditional Islamic Principles of Built Environment*. New York: Routledge Curzon.
97. Moser, S. (2018). *Islamic Cities*. The Wiley-Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies.
98. Neglia, G.A. (2008). Some historiographical notes on the Islamic city with particular reference to the visual representation of the built city. Cited in "The City in the Islamic World", Volume 1, Salma K. Jayyusi Renata Holod, Attilio Petruccioli and André Raymond (editors). LEIDEN. BOSTON.
99. Newman, O. (1973). *Defensible Space; Crime Prevention through Urban Design*. Macmillan Publishing.
100. Omer, S. (2007). "Integrating the Islamic Worldview into the Planning of Neighbourhoods", *Journal of Construction in Developing Countries*, Vol, 12, No. 2.
101. Omer, S. (2009). *Islam, Architecture and Urban Planning*. Arah Pendidikan, Kuala Lumpur. <http://www.amazon.com/Islam-Architecture-Urban-Planning-Spahic/dp/9673231095>.
102. Omer, S. (2010). *Islam and Housing*. Gombak, Kuala Lumpur: A. S. Noordeen.
103. Omer, S. (2011). *Housing Lessons from the Life of Prophet Muhammad (pbuh): The Subject of Privacy*. Retrieved April 23, 2012, from medina.net:
65. Germen, A. (Ed). (1983). *Islamic Architecture and Urbanism*. Dammam, 1983.
66. Gharipour, M (Ed). (2012). *The Bazaar in the Islamic City: Design, Culture, and History*. The American University in Cairo Press.
67. Gharipour, M. (2015). *The Historiography of Persian Architecture (Iranian Studies)*. Routledge
68. Gharipour, M. (2017a). *Gardens of Renaissance Europe and the Islamic Empires: Encounters and Confluences*. Penn State University Press.
69. Gharipour, M. (2017b). *Synagogues in the Islamic World: Architecture, Design and Identity*. Edinburgh University Press.
70. Gilsenan, M. (1982). *Recognizing Islam: An Anthropologist's Introduction*. London: Croom Helm.
71. Greenshields, T.H. (1980). *Quarters and Ethnicity*. In *The Changing Middle Eastern City*. Eds. G.H. Blake and R.L. Lawless, 120-140. London: Croom Helm.
72. Hakim, B.S. (1986). *Arabic-Islamic Cities: Building and Planning Principles*. New York.
73. Hamdan, G. (1962). "The Pattern of Medieval Urbanism in the Arab world". *Geography*, vol. 47, pp. 121-134.
74. Hameed, Sh. (1991). *Evolution in the design of Islamic cities. Retrospective Theses and Dissertations*. 17585. <https://lib.dr.iastate.edu/rtd/17585>.
75. Hashim, A.H. and et al. (2006). "Visual Privacy and Family Intimacy: A Case Study of Malay Inhabitants Living in Two-Storey Low-Cost Terrace Housing", *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 33(2): 301-318. <https://doi.org/10.1068%2Fb31053>.
76. Hassan, R. (1972). "Islam and Urbanisation in the Medieval Middle East", *Ekistics*, vol. 33, pp. 108-109.
77. Heidegger, M. (1951). *Building, Dwelling, Thinking*. London: Routledge
78. Henilane, I. (2016). "Housing concept and analysis of housing classification", *Baltic Journal of Real Estate Economics and Construction Management*, 4, 168-179, <https://doi:10.1515/bjreecm-2016-0013>.
79. Hsieh, H.F and Shannon, S.E. (2005). "Three Approaches to Qualitative Content Analysis", *Qualitative Health Research*, V15 (9), pp 1277-1288. <https://doi.org/10.1177%2F1049732305276687>.
80. Htin, K.M., and Shalaby, T. (1984). *New Approach to Housing Design in Muslim Cities*, (pp. 211-236); *Inside: Housing in the Islamic City*, Proceedings of a Symposium held in Ankara, Turkey, on 21-25.7.1984. Proceedings prepared by: Center of Planning and Architectural Studies, Cairo.
81. Inalcik, H. (1990). "Istanbul: An Islamic city", *Journal of Islamic Studies*, pp. 1-23
82. Khilat, F and Tariq, F. (2017). "Conceptual Framework of an Ideal Muslim Capital: Comparison between Early Muslim Capital of Baghdad and Islamabad", *Journal of Islamic thought and civilization*, V7 (1), 71-88.
83. Kim, I and Kuljis, J. (2010). "Applying Content Analysis to Web-based Content", *Journal of Computing and Information Technology - CIT* 18, 2010, 4, 369-375 [doi:10.2498/cit.1001924](https://doi.org/10.2498/cit.1001924).

121. Sobh, R., Belk, R.W. and Wilson, J.A.J. (2013). "Islamic Arab hospitality and multiculturalism Mark", *Theory*, 13 (4): 443-463, <https://doi.org/10.1177/1470593113499695>.
122. Smith, A. (1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*. London: Methuen and Co., Ltd.
123. Stewart, D.J. (2001). "Middle East Urban Studies: Identity and Meaning", *Urban Geography*, 22:2,175-181, <https://doi.org/10.2747/0272-3638.22.2.175>.
124. Tawfik, A. (1996). Privacy as the basis of Architectural planning in Saudi Arabia. In S. Ozkan (Eds), *Faith and the Built Environment*, Compartments.
125. Torgersen, U. (1987). Housing: the wobbly pillar under the welfare state. In B. Turner, J. Kemeny & L. Lundqvist (Eds.), *Between State and Market: Housing in the Post-industrial Era*, Stockholm: Almqvist and Wiksell, pp. 116-126.
126. UN-HABITAT. (2002). *The Global Campaign on Urban Governance*. <http://www.unhabitat.org/governance>.
127. United Nations and UN-Habitat. (2008). *Housing the poor in Asian cities. Urbanization: The role poor play in urban development. Quick Guide for Policy Makers*.
128. United Nations. (1948). Article 25 of the Universal Declaration of Human Rights.
129. United Nations. (1976). *The 1976 Vancouver Declaration on Human Settlements*.
130. United Nations. (1996). *The Habitat Agenda*, adopted in Istanbul in 1996.
131. Wapner, S., Demick, J., Yamamoto, T., and Minami, H. (Eds). (2000). *Theoretical Perspectives in Environment-Behavior Research: Underlying Assumptions, Research Problems, and Methodology*. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers, 2000.
132. Ward, J.H. (2012). *Managing Data: Content Analysis Methodology*. Unpublished manuscript, University of North Carolina at Chapel Hill.
133. Westaway, M.S. (2006). "A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto", *Habitat International*, 30: 175-189.
134. White, M.D and Marsh, E. E. (2006). *Content Analysis: A Flexible Methodology*. Graduate School of Library and Information Science. University of Illinois at Urbana-Champaign. <http://hdl.handle.net/2142/3670>.
135. Williams, T. (2007). *The city of sultan kala, merv, Turkmenistan Communities, neighborhoods and urban planning from the eighth to the thirteenth century*. Cited in "cities in the pre-modern Islamic world: The urban impact of religion, state and society" by Amira K. Bennison and Alison L. Gascoigne (Eds). Routledge.
136. Yarwood, J. (2011). *Urban Planning in the Middle East: Case Studies*. Cambridge Scholars Publishing.
137. Yukawa, T. (Ed). (1989). *Urbanism in Islam. The Proceedings of the International Conference on Urbanism in Islam (ICUIT)*, Oct. 22-28, 1989 (Tokyo, 1989). <http://www.medinanet.org/home/10-housing/178-housing-lessons-from-the-life-of-prophet-muham-mad-pbuh-the-subject-of-p>.
104. Othman, Z., Aird, R., and Buys, L. (2015). "Privacy, modesty, hospitality, and the design of Muslim homes: A literature review", *Frontiers of Architectural Research*, 4(1):12-23. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2014.12.001>.
105. Othman, Z., Buys, L., and Aird, R. (2014). "Observing privacy, modesty and hospitality in the home domain: three case studies of Muslim homes in Brisbane", *Australia Int. J. of Archit. Res.*, 8 (3): 266-283.
106. Petruccioli, A. (2008). *House and Fabric in the Islamic Mediterranean City*. Cited in "The City in the Islamic World", Volume 1, Salma K. Jayyusi Renata Holod, Attilio Petruccioli and André Raymond (editors). LEIDEN. BOSTON.
107. Prasad, B.D. (2008). *Content Analysis: A method in Social Science Research*. Cited in *Research methods for Social Work* edited by Lal Das, D.K and Bhaskaran, V. New Delhi: Rawat, pp.173-193.
108. Rahim, A.A. (2008). *Housing from the Islamic Perspective*. Selangor: IJUM Press.
109. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*. Eaglewood Cliffs, N.J, U.S.A: Prentice-Hall, Inc.
110. Razalia, N.H.M, and Talibb, A. (2013). "Aspects of Privacy in Muslim Malay Traditional Dwelling Interiors in Melaka", *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 105. 644-654. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.11.067>.
111. Ricardo, D. (1817). *On the Principles of Political Economy and Taxation*. London: John Murray, Albemarle Street.
112. Right to the City Alliance. (2010). *We Call These Projects Home Solving the Housing Crisis from the Ground Up. A Right to the City Alliance Report On public housing*.
113. Saoud, R. (2002). *Introduction to Islamic city. Foundation for science technology and civilization*.
114. Saqqaf, Y.A. (Ed). (1987). *The Middle East City: Ancient Traditions Confront a Modern World*. New York.
115. Sato, T. (2014). *Islamic Urbanism: Political Power and Social Networks*. Routledge.
116. Serageldin, I., and el-Sadek, S. (Eds). (1982). *The Arab City: Its Character and Islamic Cultural Heritage*. Riyadh, 1982.
117. Serjeant, R. B.)Ed). (1980). *The Islamic City. Studies on Arabia and Yemen*. Paris, 1980.
118. Shabani, M.M., and et al., (2011). "Relation of cultural and social attributes in dwelling, responding to privacy in Iranian traditional house", *J. Soc. Sci. Humanit*, 6 (2):pp. 273-287.
119. Short, J.R (2006). *Urban theory; A Critical assessment*. Routledge, New York.
120. Shuaib, N. (2014). *Integrating Islamic Cultural Identity Preservation in the Urban Fabric of the United States*. A Thesis Submitted to the Faculty of Miami University In partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Architecture Department of Architecture and Interior Design.

Determining the Adequate Housing Indicators from Islamic School Viewpoint

Moslem Zarghamfard

PhD candidate in Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University, Iran

Abolfazl Meshkini *(Corresponding Author)

Associate Professor, Faculty of Humanities, Department of Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University, Iran

* Rafiei_m@modares.ac.ir

Benyamio Murgante

Professor, Faculty of Geography, Department of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Iran

Moslem Zarghamfard

Professor, Faculty of Engineering, Department of Urban and Regional Planning, University of Basilicata, Italy

Abstract:

One of the oldest concepts in the study of Islamic history and culture is the "Islamic city". The Islamic city has many elements that housing is one of them. The Islam religion addresses the culmination of human-related phenomena; hence in the construction of housing, its suitability and adequacy has been emphasized. In this study, the concept of "Islamic adequate housing" was used for the first time in research texts. Adequate housing is an issue that has been considered in scientific fields outside of Iran, but in Iran, no principles have been defined yet. However, in the Islamic school, there were general principles for building an adequate housing but in the modern era, this principles has been neglected. From this perspective, the present study seeks to extract and categorize adequate housing indicators through the analytical-descriptive method and using the qualitative content analysis of Islamic texts. As result, we achieve of 28 indicators that are extracted from the texts and documented, which can be considered for future constructions.

Keywords: Adequate Housing Indicators, Islamic adequate housing, Islamic School.